

حق بر آموزش در حقوق بین الملل و حقوق ایران

تألیف

دکتر نصرت الله فلسفی

مدرس دانشگاه

با دیباچه

دکتر علی اکبر کریمی ازندریانی

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

انتشارات جنگل

سرشناسه	فلسفی، نصرت‌الله، ۱۳۴۹-
عنوان و نام پدیدآور	حق بر آموزش در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران / نصرت‌الله فلسفی
مشخصات نشر	تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۳۴۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۴۹۳-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	حق آموزش
موضوع	Right to Education
موضوع	حق آموزش - ایران
موضوع	Right to Education - Iran
موضوع	حقوق بین‌الملل - ایران
موضوع	International Law - Iran
رده‌بندی کنگره	۱۲ ح ۸/۵/۵/۵ K۳۲۵۹
رده‌بندی دیویی	۳۱۲.۷۹
شماره کتابشناسی ملی	۲۲۱۴۰



عنوان کتاب: حق بر آموزش در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران

تألیف: دکتر نصرت‌الله فلسفی

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

قطع و تیراژ: وزیری، ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال با جلد نفیس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۴۹۳-۲

<http://www.junglepub.org>

[email: info@junglepub.org](mailto:info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰

۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۶۷-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ است»

دیاچه

مقدمه.....	۱
بخش اول: تعاریف، تحولات، پیشینه تاریخی، مبانی حق بر آموزش و ارتباط آن با مصادیق مرتبط حق های بشری.....	۱۱
فصل اول: تعاریف و تبیین حق بر آموزش و ارتباط آن با مصادیق مرتبط حق های بشری.....	۱۳
گفتار اول: تعریف و تبیین کلی حق بر آموزش.....	۱۳
گفتار دوم: تعریف حق بر آموزش در حقوق ایران.....	۱۶
گفتار سوم: تعریف حق بر آموزش در حقوق بین الملل.....	۱۷
گفتار چهارم: ارتباط حق بر آموزش با مصادیق مرتبط با حق های بشری.....	۱۸
بند اول: بررسی ارتباط حق بر آموزش با آزادی بیان.....	۱۸
بند دوم: ارتباط حق بر آموزش با حق بر آگاهی.....	۲۱
بند سوم: ارتباط حق بر آموزش با حق بر توسعه.....	۲۳
بند چهارم: بررسی ارتباط حق بر آموزش با حقوق صلح و امنیت بین المللی.....	۲۹
فصل دوم: تحولات و پیشینه تاریخی.....	۳۴
گفتار اول: تحولات تاریخی حق بر آموزش در حقوق بین الملل.....	۳۵
گفتار دوم: تحولات تاریخی حق بر آموزش در ایران.....	۴۲
بند اول: تحولات تاریخی حق آموزش در ایران تا انقلاب مشروطیت.....	۴۳

- بند دوم: تحولات تاریخی حق بر آموزش بعد از انقلاب مشروطیت..... ۵۶
- فصل سوم: مبانی حق بر آموزش..... ۸۳
- گفتار اول: مبانی حق بر آموزش از دیدگاه فلاسفه غرب..... ۸۳
- بند اول: تحولات تاریخی مبانی حق آموزش از نظر برخی از فلاسفه غرب..... ۸۳
- بند دوم: مبانی حق آموزش از نظر برخی از فلاسفه متأخر و معاصر غربی..... ۹۰
- گفتار دوم: مبانی اسلامی حق بر آموزش..... ۹۹
- بند اول: مبانی حق بر آموزش از دیدگاه برخی از فلاسفه مسلمان..... ۱۰۰
- بند دوم: اجبار، و اختیاری بودن آموزش در اسلام..... ۱۱۰
- بند سوم: ربربری آموزشی در اسلام..... ۱۱۲
- گفتار سوم: مبانی حقوقی سری حق بر آموزش..... ۱۱۴
- بند اول: آموزش و مشارکت در اجتماع..... ۱۱۴
- بند دوم: آموزش و حداقل اداناندا، های زندگی..... ۱۱۵
- بند سوم: آموزش و رفاه..... ۱۱۷
- بند چهارم: آموزش و ترویج حقوق بشر..... ۱۱۷
- گفتار چهارم: مبانی آموزش حق های بنیدیر بشری به عنوان یکی از اهداف اصلی حق آموزش..... ۱۱۸
- بند اول: مفهوم و اهداف آموزش حقوق بشر..... ۱۱۸
- بند دوم: اهمیت و ضرورت آموزش حقوق بشر..... ۱۲۰
- بند سوم: جایگاه حقوقی آموزش حقوق بشر و محتوای آن..... ۱۲۲
- بند چهارم: فرآیند و اصول حاکم بر فعالیت های آموزش حقوق بشر و ارزیابی آن..... ۱۲۵
- بند پنجم: آموزش حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران..... ۱۲۷
- نتیجه گیری بخش اول..... ۱۳۰
- بخش دوم: منابع، چالش ها و نظام حقوقی ناظر بر اجرای حق بر آموزش..... ۱۳۳
- فصل اول: منابع حق بر آموزش..... ۱۳۵
- گفتار اول: منابع حق بر آموزش در حقوق بین الملل..... ۱۳۶
- بند اول: منابع حقوق بشری..... ۱۳۶

بند دوم: حق بر آموزش در حقوق مخاصمات مسلحانه (چالشی جدی برای تحقق حق آموزش).....	۱۹۲
بند سوم: منابع حق آموزش مجازی (الکترونیکی) در حقوق بین الملل.....	۲۰۸
گفتار دوم: منابع حق بر آموزش در حقوق جمهوری اسلامی ایران.....	۲۱۱
بند اول: منابع و اسناد فرادستی (بالا دستی و معین).....	۲۱۵
بند دوم: منابع قانونی.....	۲۱۸
فصل دوم: نظام حقوقی ناظر بر اجرای حق بر آموزش در حقوق بین الملل و حقوق ایران.....	۲۳۳
گفتار اول: نظام نارتی حقوق بین الملل.....	۲۳۳
بند اول: نظارت سازمان ملل دولتی.....	۲۳۳
بند دوم: نظارت سازمان های بین المللی غیردولتی.....	۲۴۱
گفتار دوم: نظام نظارتی حقوق ایران.....	۲۴۴
بند اول: نظارت نهادی.....	۲۴۵
بند دوم: نظارت غیر دولتی.....	۲۵۳
فصل سوم: چالش های حق بر آموزش.....	۲۵۹
گفتار اول: چالش های حق بر آموزش در حقوق بین الملل.....	۲۵۹
بند اول: چالش های سیاسی.....	۲۵۹
بند دوم: چالش های اقتصادی.....	۲۶۴
گفتار دوم: چالش ها و موانع تحقق حق بر آموزش در ایران.....	۲۶۷
بند اول: چالش ها و موانع سیاسی.....	۲۶۷
بند دوم: چالش ها و موانع قانونی.....	۲۷۳
بند سوم: چالش ها و موانع اقتصادی.....	۲۷۵
بند چهارم: چالش ها و موانع فرهنگی و اجتماعی.....	۲۷۷
نتیجه گیری بخش دوم.....	۲۸۱
نتیجه گیری کلی و پیشنهادها.....	۲۸۳
کتابشناسی.....	۲۹۳



تضمین حق بر آموزش پیش شرط تحقق زندگی شایسته

آموزش را می‌توان به سرن کوه برتری در نظر گرفت که گل وجود آدمیان را به تدریج و با هنرمندی به زیور اوصاف و خصایل یکو می‌آید و آن‌ها را آماده مواجهه با واقعیت‌های زندگی و زندگی شایسته‌تر می‌کند. انسان فک آموزش به کودکی می‌ماند که رشد نیافته و مهارت‌های رفتاری و گفتاری لازم را فرا نگرفته است. انسان آموزش یافته بهتر و آسان‌تر مخاطب اندیشه‌های متعالی مانند صلح، دموکراسی و توبه قرار می‌گیرد.

ساختن جامعه سالم و تحقق زندگی شایسته با رشد انسان‌های آموزش دیده به مراتب ساده‌تر است. تأکیدات مکرر خداوند حکیم در قرآن کریم بر دانایی و علم نیز ریشه در همین قضیه دارد. به عنوان مثال در آیه ۱۱ سوره زمر می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟!»

در همین چهارچوب فکری است که امام صادق (ع) از برتری عالم بر بر عابد و به عبارتی از برتری علم بر عبادت سخن می‌گوید: «فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةُ الْبَدْرِ. برتری عالم بر عابد مانند برتری ماه شب چهارده بر دیگر ستارگان است. پس، می‌توان گفت جامعه ترسیم شده توسط پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) جامعه دانایی محور است. بی‌شک، دانایی محوری اصلی‌ترین شرط تحقق یک جامعه پیشرفته و آکنده از رفاه و سعادت است. در جامعه علم‌ستیز خوشبختی دنیایی و عقبایی غیرقابل دسترس است.

شهریار، شاعر شیرین‌سخن، چه زیبا نقش آموزش را در ساختن یک جامعه سالم و پیشگیری از جرم، در قالب دعوای درخت گردو- که در ساختن منبر از آن بهره می‌برند- و درخت چنار- که در ساختن دار از آن بهره می‌گیرند- ترسیم می‌کند:

گفت با طعنه منبری به چنار:	سرفرازی چه می‌کنی؟ بی‌بار!
نه مگر ننگ هر درختی تو؟	کز شما ساختند چوبه دار!
پس بر آشفست آن درخت دلیر،	رو به منبر چنین نمود اخطار!
گفت: گر منبر تو فایده داشت،	کار مردم نمی‌کشید به دار!

طعنه رخت چنار به درخت گردو بسیار حکیمانه است و مشعر بر این معناست که اگر آموزش‌هایی که بر مدارس و... ارائه می‌شود کارساز شود، می‌باید دارها (مجازات اعدام) و مجازات‌های دیگر را برچیده شود.

با چنین رویکردی است که شایمایی حق بر آموزش در اسناد داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. مبنای شایمایی این حق را می‌توان به مساله کرامت انسانی گره زد.^۱ پاسداشت کرامت انسان مستلزم «چه دو دسته از حق‌هاست. حق‌های معطوف به صیانت از تمامیت جسمانی (مانند حق حیات و سی‌ب‌ان) و حق‌های معطوف به تمامیت معنوی (مانند حق آزادی اندیشه، مذهب، بیان). بی‌تردید حق بر آموزش یکی از حق‌هایی است که تمامیت معنوی آدمیان تحت‌الشعاع آن قرار دارد. محروم شدن انسان‌ها از این حق را می‌توان به مثابه تجاوز به تمامیت معنوی آن‌ها دانست. بی‌توجهی به این حق، گوهر هستی و زیربنای حقوق بشر یعنی کرامت انسانی را به مخاطره می‌اندازد و به قول سید علی‌الحجه علیه‌الرحمه قدرت پرواز را از او می‌گیرد.^۲ انسانی که فرصت آموختن و آموزاندن را از دست داده باشد، یقیناً بخت کمتری برای پرورش استعدادها و توانایی‌های مادی و معنوی خواهد داشت».

۱- گرجی علی‌اکبر، *حقوقی‌سازی سیاست*، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴، ص. ۲۱.

۲- سعدی در باب هشتم *گلستان* چنین گوید: تلمیذ بی‌ارادت عاشق بی‌زرست و رونده بی‌معرفت مرغ بی‌پر و عالم بی‌عمل درخت بی‌پر و زاهد بی‌علم خانه بی‌در. مراد از نزول قرآن تحصیل سیرت خوب است نه ترتیل سورت مکتوب. عامی متعبد پیاده رفته است و عالم مهپاوان سوار خفته. عاصی که دست بر دارد به از عابد که در سر دارد. یکی را گفتند عالم بی‌عمل به چه ماند؟ گفت به زنبور بی‌عسل.

زنبور درشت بی‌مروت را گوی

باری چو عسل نمی‌دهی نیش مز

حق بر آموزش چنان که پیشتر گفته‌ایم،^۱ عبارت است از امکان یا امتیازی که به موجب آن اشخاص می‌توانند از آموزش و پرورش دلخواه و شایسته برخوردار گردند. در این تعریف چند نکته نهفته است:

- گرچه آموزش حقیقت و راه‌های نیل به آن دیرزمانی جزو دغدغه‌های اصلی آموزش بوده است ولی حق بر آموزش از زمره حق- داشتن است و ارتباطی با برحق بودن ندارد.
- برخلاف تصور رایج این حق الزاما و همیشه نمی‌تواند در زمره حقوق- مطالبات^۲ قرار گیرد. مطالبات به قول ژلینک حقوق‌دان آلمانی حقوق دارای وضعیت مثبت^۳ هستند، یعنی نیاز به دخالت دولت دارند، برعکس حقوق- آزادی‌ها^۴ که «حقوقی با وضعیت منفی» هستند و نیاز به عدم مداخله دولت دارند و به قول آیزیا برلین، آزادی سلبی هستند. علت این مدعا هم همین است که در مواردی ما برای اعمال آزادی آموزشی دقیقاً نیازی به مداخله مثبت او در این حوزه نداریم بلکه از دولت می‌خواهیم تا در این حوزه غیبت کند. باید بتوان گفت، این حق دوجنبتین است، یعنی هم مثبت، هم منفی است، مثلاً تا قبل از دوره آموزش عالی باید به این حق به عنوان حق- طلب نگریست و تکالیفی را برای دولت تعریف کرد تا به توسعه آموزش عمومی اجباری و رایگان بپردازد، اما پس از این دوره به این حق نهایی سلبی داشت، یعنی مداخله دولت در آن را مردود شمرد.
- انتخاب آموزش و پرورش دلخواه از یکسو، موید مطالبات است که کنشگران عرصه آموزش اعم از آموزش دهندگان، والدین و آموزش گیرندگان دارند و از دیگر سوی، موید آزادی آن‌ها در ترسیم آینده آموزشی خود است. پس حق بر آموزش در تعریف ما با آزادی آموزشی پیوندی ناگسستنی دارد.
- آزادی و حق برخورداری از آموزش و پرورش (از سطوح ابتدایی تا عالی)، این برخورداری الزاما به معنای رایگان بودن نیست. وضعیت معیشتی و اجتماعی مردم و توانایی اقتصادی دولت در این میان تعیین‌کننده است. برخی از نویسندگان عقیده دارند «با توجه به تصریح اصل رایگان بودن آموزش و پرورش، تأسیس مدارس خصوصی در کشور، از آن جهت که

۱- گرجی علی اکبر، حقوقی‌سازی سیاست، همان، ص. ۲۴.

2- Droits-créances

3- Droits de statut positif

4- Droits-libertés

5- Droits de statut négatif

- از محل شهریه محصلین اداره می‌شود، اصولاً قابل توجیه به نظر نمی‌رسد.^۱»
- اجباری بودن آموزش نیز چندان با حق بودن آن سازگار نیست. اما، اهداف توسعه‌گرایانه و لزوم ایجاد انسجام ملی و فرهنگ دولت-ملتی، به عنوان مصلحت اهم، می‌تواند این اجبار را توجیه‌پذیر بنماید.
 - بنابراین، محدودیت آزادی آموزشی هم به نوعی در این تعریف نهفته است. محدودیت‌های وارده بر اصل آزادی آموزشی یا حق آزادی آموزش، اولاً، جنبه استثنا دارند، ثانیاً، اعمال این محدودیت‌ها نباید به تغییر محتوا و ماهیت این حق منجر شود. این همان چیزی است که قانون اساسی اسپانیا در ماده ۵۳ خود آن را «محتوای ضروری^۲» یا بند ۲ ماده ۱۹ قانون بنیادین آلمان آن را «جوهره^۳» حقوق بنیادین می‌نامد. بر فراز^۴ هم گرچه، متون قانونی به محدودیت محدودیت آزادی آموزشی اشاره‌ای نمی‌کنند. ولی شورای قانون اساسی همواره توجه دارد که «هسته سخت یا مرکزی^۵» آزادی‌ها حق، نباید مخدوش شود.
 - امکان دستیابی برابر همه شهروندان به آموزش کیفی با رعایت استانداردهای متعارف آموزشی به گونه‌ای که هیچ‌کس کی محروم از تحصیل باقی نماند.
 - اصطلاح آموزش غیر از آموزش و پرورش است. در علوم تربیتی و زبان فارسی هم این دو تفکیک شده‌اند. آموزش و پرورش یک، فرایند مشخص توسط نهادهای عمومی است ولی آموزش بیشتر مربوط به حوزه خصوصی است. در قانون اساسی هم به درستی در اصل ۳۰ از عبارت آموزش و پرورش استفاده شده است.
 - در تعریف حق بر آموزش به رعایت استانداردهای علمی مانند تجهیزات مناسب و داشتن معلمان حرفه‌ای تأکید می‌شود، زیرا آموزش بی‌کیفیت، در واقع ناقض حق آموزش است.

کتاب «حق بر آموزش در حقوق بین الملل و حقوق ایران» به قلم جناب آقای نصرت‌الله فلسفی، از قضات فرهیخته دادگستری و دانش‌آموخته رشته‌های حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل نگارش یافته است. این کتاب در بخش نخست به بررسی تعاریف، تحولات،

۱- هاشمی سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان، ج. ۱، جاب اول ۱۳۷۴، ص. ۲۴۸.

2- Contenu essentiel

3- Substance

4- Noyau dur

پیشینه تاریخی، مبانی حق بر آموزش و ارتباط آن با مصادیق مرتبط حق‌های بشری می‌پردازد و در بخش دوم منابع، چالش‌ها و نظام حقوقی ناظر بر اجرای حق بر آموزش را مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهد. بی‌تردید، انتشار این کتاب می‌تواند به ارتقای حقوق بشر در ایران و توسعه و تعمیق حق بر آموزش به عنوان یک حق بنیادین بینجامد. از این‌رو، مطالعه آن را نه تنها برای حقوق‌دان‌ها، بلکه برای معلمان و دیگر کارگزاران امور آموزش و پرورش قابل توصیه می‌دانم و امید می‌برم دیگر پژوهشگران هم به جوانب مغفول یا کمتر دیده شده حق بر آموزش توجه نشان دهند و غبار اوهام و عصبیت را از چهره این حق سترگ بسترند.

علی اکبر گرجی ازندریانی

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی